

فصل دوازدهم

اتحاد مثلث

بیسمارک داور اروپا - اتحاد آلمان و اتریش - جلب نظر دولت عثمانی - مناطق نفوذ اتریش و روسیه در بالکان - الحاق رومانی ببلغارستان - جنگ سرب و بلغار - استعفای الکساندر و باتنبرگ - اتحاد آلمان و اتریش و ایتالیا (اتحاد مثلث) تشویق توسعه مستعمراتی فرانسه - شروع رویه تهدید آمیز نسبت به فرانسه تبلیغات ژنرال بولانژه - قضیه شنوبله - ملاقات سکرینویس - تهدید انگلستان پیمان انگلستان و روسیه - اتفاق نظر آلمان و انگلستان - تجدید اتحاد مثلث نگاهداری وضع فعلی در بالکان - تجدید اختلاف راجع به بلغارستان - سیاست بیسمارک و روسیه - نزدیکی فرانسه و روسیه - فوت ویلهلم اول

در کنگره برلن بیسمارک اظهار میداشت دولت آلمان تمهادهای دولتی است که تقاضائی نداشته و منظوری جز برقراری صلح و امنیت ندارد بعد از کنگره برلن در اثر سیاست مدبرانه بیسمارک وقوه و قدرت نظامی ارتش آلمان صدراعظم این کشور داور اروپا گشت و قطع و فصل روابط سیاسی اروپا اغلب با اطلاع او صورت میگرفت . در داخله کشور نیز صدراعظم آلمان کمک های مهمی بتوسط اقتصاد و تجارت نمود . با ایجاد صنایع جدید مردم را وادار بکار کرده و در نتیجه هر روز شهرهای صنعتی جدیدی احداث و بر ثروت کشور افزوده میشد . پشتیبانی کامل ملت آلمان از بیسمارک و ترس از قدرت نظامی آلمان نیز دول اروپا را خواه و ناخواه مجبور بقبول میانجیگری بیسمارک در امور اروپا مینمود .

اتحاد آلمان و اتریش

بیسمارک نگاهداری صلح عمومی را بعد از جنگ با فرانسه برای عملی کردن نقشه خود لازم می‌شمرد و تا پایان صدارت بیسمارک بر اساس این سیاست دولت آلمان تقریباً هیچ‌گونه ادعائی را مطرح نکرد در صورتیکه در این مدت دولت انگلستان مصر و افغانستان و زنگبار و بیرومانی را تحت حمایت خود در آورد. دولت فرانسه تونس قسمتی از کنگو - تونکن - آنام و سودان را اشغال نمود. دولت ایتالیا خود را برای تصرف حبشه مجهز می‌کرد. دولت روسیه نیز کستان را بر متصرفات خود افزود. بلغارها روملی - یونانیها اپیروسالی دولت اتریش بوسنی هرزه گوین را تحت تسلط خود در آوردند.

بیسمارک با متوجه گردیدن اتریش بطرف بالکان نظر این دولت را از آلمان دور می‌نمود و با تشویق عملیات مستعمراتی فرانسه امید داشت افکار فرانسویها را از بدست آوردن مجدد آلاس و لورن منحرف کند. روسها را نیز کاملاً متوجه آسیا نماید.

صدراعظم آلمان بعد از فراهم آوردن نزدیکی بین امپراطور آلمان و اتریش از سال ۱۸۷۳ تمام مساعی خود را صرف تقویت دوستی این دو دولت می‌کند تا اینکه در ۱۷ اکتبر ۱۸۷۹ پیمان اتحادی که بعدها اساس اتحاد مثلث میشود بین اتریش و آلمان با مضامیرسد. چون مفاد این پیمان بر ضد دولت روسیه تنظیم شده بود و بیسمارک دوستی روسیه را برای آلمان لازم میدانست در موقع عقد پیمان مفاد آن منتشر نگردیده و مخفی ماند ولی همین پیمان باعث شد که ائتلاف محکمی بین دو امپراطوری برقرار شده و برای مدت قریب چهل سال سیاست اتریش تابع سیاست آلمان گردد فقط در سال ۱۸۸۸ برای کاستن سوءظن تزار روسیه بیسمارک قسمتی از این پیمان را منتشر ساخت و بقیه مفاد پیمان تا سال ۱۹۲۰ تقریباً مخفی نگاهداشته شد.

بموجب ماده اول پیمان دولتین تعهد می‌کردند در صورتیکه یکی از آنها مورد حمله روسیه واقع شود دولت دیگر با تمام قوای نظامی خود با او کمک نموده و حاضر بعقد صلح جداگانه نخواهد گردید. ماده دوم پیش‌بینی می‌نمود که اگر اتریش یا آلمان هر کدام مورد حمله ایتالیا یا فرانسه قرار گیرند دولت دیگر بیطرفی خود را محفوظ

جلب نظر دولت عثمانی

نگاه خواهد داشت مگر آنکه دولت روسیه نیز وارد در جنگ شود که در این صورت مفاد ماده اول بمورد اجرا گذاشته خواهد شد بطوریکه ملاحظه میشود اساس این پیمان بر ضد روسیه و برای متوجه کردن اثرش بطرف بالکان تنظیم شده است تا دولت اثرش دیگر نسبت با آلمان اقدامی بعمل نیآورد و فعالیت دولت روسیه نیز صرف جلوگیری از اقدامات اثرش در بالکان شده و مجال برای کمک بفرانسه بدست او نیفتد.

در کنگره برلن سیاست بیسمارک باعث شده بود که دولت عثمانی دولت آلمان را تنها حامی خود بداند، و در مقابل چشم طمع می که دول مختلف بمتصرفات او دوخته بودند بطرف آلمان متوجه شود بیسمارک از این سابقه استفاده کامل نموده در سال ۱۸۸۲ افسران آلمانی برای اصلاح ارتش عثمانی استخدام گردیدند سفیر کبیر آلمان در قسطنطنیه کنت دو هاتزفلد^(۱) بمعیت ون در گواتز^(۲) که مشاور و مجری او امر دو مالتکه بود تشکیلات دولت و ارتش عثمانی از روی سازمان دولت پروس شروع کردند. دولت عثمانی در سال ۱۸۸۱ تاسیس خط آهنی را از قسطنطنیه به بغداد نیز پیشنهاد کرد و سفرای فرانسه و انگلیسی بدولت های متبوع خود گزارش دادند ممکن است بزودی اتحاد بین آلمان و عثمانی بوجود آید ولی بیسمارک که میل نداشت خصومت روسیه را نسبت با آلمان تحریک کند بیشتر مایل بود دولت عثمانی مشتری او باشد نه متحد که تکالیفی بر دوش آلمان گذاشته شود.

دولت رومانی که مطمح نظر دو نژاد روس و ژرمن بود گرچه در ظاهر امر سعی میکرد بیطرفی خود را حفظ کند چون خطر روسیه را بیشتر احساس میکرد دو پادشاه آن نیز از فامیل هوهنزارن بود طبعاً نفوذ ژرمن ها در این کشور برتری پیدا نمود و

(۱) Comte de Hatzfeld

(۲) Colmar, baron von der göltz (۱۹۱۶-۱۸۴۳) سردار آلمانی - دو جنگهای ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ شرکت کرد - در ۱۸۸۳ مأمور اصلاح سازمان ارتش عثمانی گردید - در جنگ ۱۸-۱۹۱۴ فرماندهی دو سپاه عثمانی را بر عهده داشت - چندین تألیفات نظامی منتشر کرده است.

مناطق نفوذ اتریش و روسیه در بالکان

در ۳۰ اکتبر و ۱۹ نوامبر ۱۸۸۳ بوسیله پیمانهای مخفی با دول آلمان و اتریش کاملاً متحد گردید.

دولت اتریش برای استقرار کامل نفوذ خود در سرستان و سائل عیش و عشرت میلان پادشاه این کشور را کاملاً فراهم ساخت و باین ترتیب او امر خود را در سرستان بوسیله او اجرا میکرد تا اینکه در ۲۴ اکتبر ۱۸۸۱ دولت سرستان برای مدت ده سال پیمانی با اتریش منعقد ساخت که کاملاً تحت نفوذ اتریش در آمده و تعهد میکرد با هیچ دولت دیگری پیمانی نهبندد.

تنها دولتی که در شبه جزیره بالکان تحت نفوذ کامل روسها قرار داشت دولت بلغارستان بود که بکمک روسها باستقلال خود رسیده بود و وفاداری نسبت بر روسیه را بانگاهداشتن کمیسر و مشاورین روسی حفظ میکرد با وجود آنکه پادشاه بلغارستان آلکساندر دو با تمبرک^(۱) اصلاً پروسی بود جرئت آنرا نداشت که خود را از قید روسها آزاد سازد. بیسمارک هم از او چنین توقعی نداشت بدینجهت بمحض اینکه آلکساندر سوم تزار روسیه در ۱۸۸۱ بعد از رسیدن بسطنت پیشنهاد اتفاقی راجع به این کشور به بیسمارک نمود صدراعظم آلمان فوراً تقاضای روسیه را پذیرفت و دولتهین روسیه و اتریش که از مداخلات گلاستون بمنفع ملل بالکان ترس داشتند منطقه نفوذ خود را در بالکان معین نموده دولت روسیه به الحاق بسنی هرزه گوین به و اتریش و دولت اتریش بحمایت روسیه در بلغارستان و روملی رضایت دادند.

در نتیجه دخالت مأمورین روسی در امور بلغارستان و در اثر احتیاج مالی زیادی که پادشاه بلغارستان بیول داشت و تحریکاتی که دولت انگلستان و دولت اتریش بعمل میآوردند آلکساندر دو با تمبرک بطرف ملیون بلغارستان که حمایت روسها را برای خود

(۱) Alexandre, prince de Battenberg (۱۸۵۷-۱۸۹۳) اولین پادشاه بلغارستان - اصلاً آلمانی و نوه آلکساندر دوم تزار روسیه - طفولیت خود را در روسیه گذراند در ۱۸۷۹ بامارت بلغارستان انتخاب شد - سیاستش کم کم از روسیه دور شد - در ۱۸۸۶ مجبور باستعفا گردیده وارد خدمت در ارتش اتریش شد.

الحاق روملی ببلغارستان - جنگ سرب و بلغار - استعفای الکساندر دو باتنبرک

بارسنگینی میدانستند متمایل شد. در ۱۸۸۳ پادشاه بلغارستان قانون اساسی را در کشور خود برقرار و مستخدمین روسی را از کار برکنار کرد. الکساندر سوم تزار روسیه که هیچوقت نسبت به باتنبرک محبتی نداشت کینه سختی از او در دل گرفت. پادشاه بلغارستان نیز که از اینموقع انضمام روملی را به بلغارستان تهیه میدید نقشه خود را از تزار روسیه مکتوم داشت. در ماه سپتامبر ۱۸۸۵ کودتائی در روملی صورت گرفت و حاکم ترک را از آنجا بیرون کرده الحاق روملی را ببلغارستان اعلام کردند. الکساندر دو باتنبرک نیز در ۲۱ سپتامبر وارد روملی شده خود را امیر روملی نامید.

تزار روسیه که در زمان کنگره برلن حامی بلغارستان بزرگ بود و در مقابل اقدامات باتنبرک رسماً اعتراض نمود دولت عثمانی را هم و ادار با اعتراض به نقض پیمان برلن کرد و در اثر اقدامات روسیه برای حل قضیه قرار شد کنفرانسی در قسطنطنیه تشکیل شود ولی غفلة بتحریریک اثریش دولت سربستان از دوری باتنبرک از بلغارستان واشتغال او در روملی استفاده کرد به بلغارستان اعلان جنگ داد و در ۱۳ نوامبر ارتش سربستان وارد بلغارستان شده بفتوحات درخشانی نائل شد. بلغارها که در بدو امر غافل گیر شده بودند فوراً قوای خود را برای مقابله جمع نموده و در نتیجه شکست فاحشی بسربها وارد آورده آنها را از بلغارستان بیرون راندند اما دولت اثریش که محرک تمام این اقدامات بود مانع گردید که بلغارستان از فتوحات خود نتیجه قطعی بدست آورد دولت عثمانی هم که از مداخله روسها بیم داشت و به تنهایی خود را قادر بجنگ با بلغارستان نمیدید راضی بشناختن باتنبرک بعنوان امیر روملی گردید. در این بین دولت یونان که در کنگره برلن وعدههای زیادی دریافت کرده بود خواست از موقوف استفاده کرده و قسمتی از آرزوهای خود را تأمین کند ولی ذول اروپا مجال این امر را بنا نداد و با محاصره سواحل یونان این دولت را مجبور بانصراف از تصمیم خود نمودند. دولت روسیه که از اقدامات پادشاه بلغارستان راضی نبود تحریریکائی در این کشور بعمل آورد. و در ۲۱ اوت ۱۸۸۶ در نتیجه یک شورش نظامی الکساندر دو باتنبرک مجبور باستعفا گردید ولی ملیون بلغارستان در مقابل تصمیمات روسیه تسلیم نشده

اتحاد آلمان و اتریش و ایتالیا (اتحاد مثلث)

و در نتیجه حکومت موقتی تشکیل گردید و در صدد بر آمدند پادشاه جدیدی برای بلغارستان پیدا کنند.

باین ترتیب بدون آنکه رسماً دولت پروس دخالتی در امور بالکان کند نفوذ روسیه در این قسمت روز بروز کمتر میشد تنها ترس بیسمارک از تقاضاهای ایتالیا نسبت با اتریش بود که برای بدست آوردن سواحل آدریاتیک و تریست اتریش را راحت نمیکند. کریسپی^(۱) رئیس مجلس ایتالیا هم در سپتامبر ۱۸۷۷ بهانه تنظیم حقوق بین المللی مدنی بیران مسافرتی نموده و تقاضاهای خود را بسمع بیسمارک رسانیده بود. صدراعظم آلمان از اختلافاتی که راجع بتصرف تونس بین فرانسه و ایتالیا پیدا شده بود استفاده کرده و با دادن وعده هائی به همبرت اول^(۲) که در سال ۱۸۷۸ جانشین ویکتور اما نوئل شده بود وسائل مذاکرات دوستانه را بین اتریش و ایتالیا فراهم کرد در همین وقت هم بیسمارک که مبارزه خود را بر علیه کاتولیکها تخفیف داده و نسبت به جانشین پی نهم لئون سیزدهم اظهار خصوصیت میکرد تصرف رم را توسط ایتالیا بظهور غیر- مستقیم مورد تهدید قرار میداد. در نتیجه اقدامات بیسمارک در ۲۰ مه ۱۸۸۲ پیمانی بین اتریش و آلمان و ایتالیا بسته شد که بموجب آن دولت ایتالیا از تقاضاهای خود نسبت با اتریش صرف نظر نموده و در صورت بروز جنگ با فرانسه وعده مساعدت با آلمان و اتریش میداد. چنانچه آلمان و اتریش از طرف مشرق هم مورد حمله قرار میگرفتند دولت فرانسه نیز بر ضد آنها مبادرت بجنگ میکرد دولت ایتالیا تعهد مینمود بر علیه فرانسه

(۱) **Eracisco, Crispi** (۱۸۱۹-۱۹۰۱) سیاستمدار ایتالیائی - گرچه مخالف رژیم پادشاهی در ایتالیا بود بعد از انجام وحدت ایتالیا طرفدار ایتالیای جدید و نماینده مجلس شد رئیس مجلس ایتالیا در ۱۸۷۶ - وزیر داخله در ۱۸۷۷ - از سال ۱۸۷۷ تا ۱۸۹۱ و از سال ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۶ نخست وزیر و وزیر خارجه ایتالیا - طرفدار اتحاد مثلث و توسعه مستعمراتی ایتالیا.

(۲) **Humbert I** (۱۸۴۴-۱۹۰۰) پادشاه ایتالیا - پسر ارشد ویکتور اما نوئل سوم در سال ۱۸۷۸ جانشین پدرش شد. پادشاه آزادیخواهی بود و سلطنت مشروطه را کاملاً رعایت میکرد بطریقیکه نخست وزیران او مخصوصاً کریسپی تقریباً اقتدار دیکتاتور را پیدا کرده بودند - در ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۰ بدست يك آتش گشته شد.

تشویق توسعه مستعمراتی فرانسه

وارد درجنتك شود . دولت اتریش نیز در مقابل از توسعه خود بطرف دریای آدریاتیک صرف نظر کرده و تصرف شهر رم برای ایتالیاییها ضمانت گردید .

بیسمارك با ایجاد اتحاد مثلث دیگر درباره فضایی اروپا تشویقی نداشت زیرا اقدامات دول اروپا در مقابل سه دولت آلمان و اتریش و ایتالیا محکوم به شکست میشد و دول دیگر اروپا مجبور به تبعیت از نظر بیسمارك که بانی و رئیس این اتحادیه بود میگرددیدند . با وجود این صدراعظم آلمان برای اینکه فرانسویها را در خارج از اروپا مشغول داشته و نظر آنها را از آلزاس و لورن منحرف سازد از تشویق این دولت بفعالیت های مستعمراتی فروگذار نمیگردد صرف نظر از اینکه توسعه مستعمراتی فرانسه باعث اصطکاک منافع با دولت انگلستان شده و به تنها ماندن فرانسه كمك میگردم مثلاً در ۶ ژوئن ۱۸۸۰ بیسمارك بسفیر فرانسه در برلین خاطر نشان کرده بود که دولت آلمان حاضر است توسعه مستعمراتی فرانسه را تقویت کند بشرط آنکه دولت فرانسه از نواحی از دست رفته چشم پیوشد و در عین حال در آلزاس و لورن هم خوش رفتاری مینمود تا نظرهاالی آنجا را کاملاً بطرف آلمان جلب کند .

دولت فرانسه از تشویقهای بیسمارك استفاده نمود و در ماه مه ۱۸۸۱ تونس را اشغال کرد . گرچه صدراعظم آلمان در نزد دولت عثمانی اقداماتی بعمل آورد تا این دولت ارتشی بتونس اعزام ندارد و از دول انگلستان و ایتالیا نیز دعوت کرد از عملیات فرانسه جلوگیری نکنند ولی همین امر باعث شد که بیسمارك دولت ایتالیا را برضد فرانسه تحریك نموده و در تحت نفوذ خود در آورد . ملت فرانسه هم با وجود اظهار نشکر نخست وزیر آن از آلزاس و لورن چشم پوشی نموده اهالی این دو ناحیه نیز دست از مقاومت خود برنداشتند .

از سال ۱۸۸۴ در اثر ترقی صنعت و توسعه تجارت آلمان بیسمارك کم کم متوجه مستعمرات میگردد قضایای کنگو و تقاضای انگلستان باعث میشد که بیسمارك متمایل به بدبست آوردن مستعمراتی در خارج از اروپا شده و پیشنهاد اتفاقی را به نماینده فرانسه برضد ادعاهای انگلستان بنماید دولت فرانسه که در این موقع در هند

شروع رویه تهدید آمیز نسبت به فرانسه

و چین و جزیره ماداگاسکار و نواحی علیای رود نیل مشغول اقداماتی بود و نخست وزیر آن ژول فری^(۱) برای توسعه مستعمراتی فرانسه مساعی زیادی بکار میبرد به پیشنهاد بیسمارک روی موافقتی نشان داد ولی چون دولت فرانسه هنوز خاطرات شکست را فراموش ننموده و از آلزاس و لورن نمیتوانست صرف نظر کند مساعی بیسمارک بنتیجه مثبت نرسید. و اتحادی بین فرانسه و آلمان بسته نشد فقط در مدت هفت ماه دولت آلمان از تقاضاهای فرانسه نسبت بمصر و ترعه سوئز پشتیبانی کرد و در عوض دولت فرانسه سیاست بیسمارک را برای برقراری آزادی تجارت در کنگو و شرایط استعمار اروپائیان در این ناحیه تقویت نمود.

در ۳۱ مارس ۱۸۸۵ کابینه ژول فری در فرانسه که طرفدار اقدامات جدی در مستعمرات بود سقوط کرد. بیسمارک که ناظر جریانات سیاسی فرانسه بود مشاهده کرد که اقدامات او بهیچوجه جلب نظر فرانسویان را ننموده و از رویه خصمانه آنها نسبت به آلمان نمیگاهد. اهالی آلزاس و لورن هم با وجود خوش رفتاری های بیسمارک دست از مقاومت خود بر نمیداشتند باینجهت بعد از فوت مانتوفل^(۲) صدراعظم آلمان بجا کم جدید آلزاس و لورن پرنش دو هو هنلو^(۳) امر داد از سختگیری و خشونت نسبت با اهالی آلزاس و لورن فرو گذار نکند.

(۱) Jules-François-Camille, Ferry (۱۸۳۲-۱۸۹۳) سیاستمدار فرانسوی

در ۱۸۶۹ نماینده مجلس شد. مخالف امپراطوری. عضو حکومت موقتی فرانسه در ۱۸۷۰ نخست وزیر در ۱۸۸۰ و ۱۸۸۳. طرفدار توسعه مستعمراتی فرانسه :

(۲) Edwin-Hans-Karl' baron de Manteuffel (۱۸۰۶ - ۱۸۸۵)

فئدمارشال آلمان. در جنگهای ۱۸۶۴ و ۱۸۹۶ و ۱۸۷۰ شرکت کرد. فرمانده ارتش اشغالی آلمان دو فرانسه از ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۳ حکمران آلزاس و لورن در ۱۸۸۰.

(۳) Clovis, Charles, Victor, prince de Hohenlohe Schillingsfurt

سیاستمدار آلمانی. یکی از طرفداران آلمان جدید. نماینده مجلس رایشتاک. سفیر آلمان در فرانسه از ۱۸۷۴ تا ۱۸۸۵ - حکمران آلزاس و لورن از ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۴ - صدراعظم

آلمان از ۱۸۹۴ تا ۱۹۰۰ :

تجلیغات ژنرال بولانژه - قضیه شنوبله

بعد از سقوط ژول فری بیسمارک از تبلیغات طرفداران ژنرال بولانژه (۱) در فرانسه استفاده نموده اقدامات فرانسویان را مختل صلح و آسایش عمومی معرفی و با تحریک احساسات آلمانیها قانون اختیارات هفت ساله را برای ارتش که در ژانویه ۱۸۸۷ خاتمه میپذیرفت برای هفت سال دیگر تجدید کرد و نفرات ارتش آلمان را به ۵۰۰۰۰۰ نفر رسانید. اقدامات بولانژه در فرانسه نیز باعث تیرگی روابط بین آلمان و فرانسه گردید بطوریکه در ۲۰ آوریل ۱۸۸۷ کمیسر پلیس فرانسه در پاریس سورموزل (۲) موسوم به شنوبله (۳) از طرف کمیسر پلیس آلمان کوچ (۴) برای مذاکره درباره قضایای مرزی دعوت گردیده و بانها مچاسوسی توقیف شد در فرانسه ژنرال بولانژه برای استفاده تبلیغاتی هیاهوی راه انداخت ولی وزیر خارجه فرانسه بکمک رئیس جمهور فرانسه ترجیح داد قضیه را از طریق هیپلوماسی و مسالمت حل کند و در نتیجه اقدامات آنها و ارائه دادن دعوتنامه کمیسر آلمانی شنوبله آزاد گردید و بعد از آنکه بوسیله تحقیقات دیگری معلوم شد که شنوبله بشفع ژنرال بولانژه جاسوسی میکند عده ای از کارمندان اداری فرانسه از کاربرد کنار شده و در ۱۷ مه در اثر سقوط کابینه گوپله (۵) ژنرال بولانژه نیز از وزارت جنگ دور گردید. باین ترتیب حزم و احتیاط رئیس جمهور و وزیر خارجه فرانسه از تشدید اختلافات بین آلمان و فرانسه جلوگیری کرد اما بیسمارک که مشاهده مینمود تعارفات دوستانه و خوش رفتاری های او نسبت بفرانسویان به نتیجه نمیرسد گمان

(۱) George-Ernest Boulanger (۱۸۳۷-۱۸۹۱) سردار فرانسوی - در جنگهای

مستعمراتی خدمت کرد - در ۱۸۷۰ مجروح شد - وزیر جنگ فرانسه از ژانویه ۱۸۸۶ تا مه

۱۸۸۷ - در ۱۸۸۶ طرف توجه افرادی واقع شد که خیاله انتقام از آلمان را داشتند در نتیجه

تحریکاتش حکومت فرانسه در اول آوریل ۱۸۸۹ قرار توقیف او را صادر نمود - بیرو گسل

فرار و در ۳۰ سپتامبر ۱۸۹۱ در روی قبر معشوقه اش انتحار کرد :

Pagny-sur-Moselle (۲)

Schnöblé (۳)

Gautch (۴)

(۵) René, goblet (۱۸۲۸-۱۹۰۵) سیاستمدار فرانسوی و وکیل دادگستری - در

۱۸۷۱ نمایندگی مجلس انتخاب شد - در ۱۸۸۲ وزیر گردید - نخست وزیر فرانسه در

۱۸۸۶-۱۸۹۱ نمایندگی مجلس سنا انتخاب شد .

ملاقات سکرینویس - تهدید انگلستان

نمود برای رسیدن بمقصود خود باید رویه تهدید آمیزی اختیار نماید مخصوصاً که در این موقع نقشه‌های او در باره مناسبات با انگلستان در اثر تغییرات کابینه‌های انگلستان نیز به نتیجه نرسیده بود.

بعد از کنگره برلن بین بیسمارک و لرد بیکونسفیلد (دیسرائیلی) خط مشی سیاسی معینی تعقیب میشد که در سپتامبر ۱۸۸۰ جانشین دیسرائیلی گردید نقشه‌های نخست وزیر سابق انگلستان را کنار گذاشته و برخلاف سیاست بیسمارک که تقویت نفوذ اثریش در بالکان بود اقداماتی را بمنفع ملل بالکان شروع کرد بیسمارک برای عقیم گذاردن نقشه‌های انگلستان از شورش عربی پاشا در مصر خواست استفاده نموده و نظر این دولت را متوجه مصر کند و بشرط اینکه دولت انگلستان در قضایای بالکان مداخله ننماید پیشنهاد کمک برای رفع غائله مصر با انگلستان نمود. در مقابل عدم قبول این پیشنهاد از طرف انگلستان بیسمارک متوسل به تهدید گردید. در سال ۱۸۸۴ از فرانسوی‌ها دعوت نمود که با ادعاهای انگلستان درینجریه و کنگو مخالفت کنند و با مذاکراتی که بوسیله سفیر روسیه در برلن بعمل آورد طرح موافقتی را بین سه دولت آلمان و اثریش و روسیه تهیه نمود در ملاقاتی که در ۱۴ سپتامبر ۱۸۸۴ در سکرینویس^(۱) واقع در لهستان بین سه امپراطور دول نامبرده بعمل آمد این سه دولت وعده میدادند در صورت حمله بیکی از آنها دول دیگر بیطرفی مساعد خود را حفظ نموده و سیاست خود را همواره بر روی اساس سلطنت تعقیب نمایند بیسمارک ضمناً تزار روسیه را تشویق بمتوجه کردن ارتش خود بطرف افغانستان مینمود تا مشکلات تازه برای انگلستان فراهم کند.

دولت انگلستان برای از بین بردن تهدید روسها با افغانستان در صدد برآمد جهازات جنگی خود را بدریای سیاه اعزام دارد بیسمارک هم برای جلوگیری از اقدامات انگلستان توسط ون در گولتز شروع بساختن استحکامات در داندانل نموده و در پاریس و وین تحریکاتی بعمل آورد تا دول اروپا بر ضد انگلستان عملیاتی بنمایند. کلا دستون

Skerniewice (۱)

پیمان انگلستان و روسیه - اتفاق نظر آلمان و انگلستان

که مایل بادامه این روش نبود بکمک و لیبهد آلمان که همسرش دختر ملکه ویکتوریا بود و بوسیله پادشاه دانمارک مذاکراتی با دولت روسیه بعمل آورده و در سپتامبر ۱۸۸۵ پیمانی بین انگلستان و روسیه راجع بسرحدات افغانستان بسته شد. در باره قضایای مصر نیز بکابینه فرانسه رسماً اعلام داشت که در سال ۱۸۸۸ ارتش انگلستان مصر را تخلیه خواهد کرد و درباب تشکیلات ترعه سوئز نیز وارد مذاکره گردید.

در کابینه سوم گلاستون (از فوریه ۱۸۸۶) وزیر خارجه جدید انگلستان رد لرد روزبری^(۱) که از آزادیخواهان و طرفدار تعقیب سیاست دیسرایلی بود مسافرتی ببرلن نمود تا شالوده موافقتی را برای توسعه امپراطوری بریتانیایین انگلستان و آلمان بریزد. در نتیجه این ملاقات قرار شد دولت انگلستان در مصر اقدامات خود را بمعیت دولت عثمانی تعقیب کند تا هم تسخیر مصر بوسیله انگلستان در پس پرده بماند و هم قدرت دولت عثمانی مسجل شود تا ملل بالکان نتوانند مبادرت با اقداماتی بر علیه او نمایند و باین طریق دولت انگلستان نیز با سیاست بیسمارک در بالکان موافقت خود را ابراز میداشت با وجود مخالفت فرانسه و روسیه و تشجیع سلطان عثمانی از طرف این دو دولت در اثر این اقدامات انگلستان بیش از پیش در مصر مستقر گردید و سعی نمود در قضایای بالکان نیز مداخله نکند. حتی در موقعیکه بعد از جنگ سرستان با بلغارستان یونانیها خواستند بر علیه دولت عثمانی به کشور خود توسعه دهند انگلستان برای جلوگیری از اقدامات یونانیان از ۸ ژوئن ۱۸۸۶ جهازات خود را به سواحل یونان فرستاد و حامی صلح در بالکان قلمداد گردید.

اختلافات مستعمراتی انگلستان و آلمان نیز در سال ۱۸۸۶ مرتفع گردید در سال ۱۸۸۵ کینه جدید بطریق دوستانه بین انگلستان و آلمان تقسیم شد: در اول آوریل ۱۸۸۶ مناطق نفوذ هر کدام از این دو دولت در اقیانوس ساکن تعیین گردید بموجب

(۱) Archibald-Philip - Primrose, ocnte do Rosebery (۱۹۲۹) -
سیاستمدار انگلیسی - در ۱۸۶۸ نمایندگی مجلس انگلستان انتخاب گردید - معاون
وزارت داخله از ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۳ - وزیر خارجه در کابینه گلاستون در ۱۸۸۶ و در ۱۸۹۲
نخست وزیر انگلستان از ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۵ :

تجدید اتحاد مثلث - نگاهداری وضع فعلی در بالکن

پیمانهای اول نوامبر ۱۸۸۶ و ۲ ژوئیه ۱۸۸۷ استقرار سلطان زنگبار در افریقا از طرف بیسمارک تأیید و اراضی بین دریاچه نیاسا^(۱) و ویکتوریا^(۲) و تانگانیکا^(۳) متصرفات آلمان شناخته شد.

باین ترتیب در اثر سیاست پیچ در پیچ بیسمارک حلقه اتحادی بر علیه فرانسه در تمام اروپا تحت نظر بیسمارک تشکیل گردید فقط دولت ایتالیا از اتحاد خود با دول آلمان و اتریش راضی بنظر نمیرسید زیرا دولت ایتالیا از طرفی مجبور شده بود از ادعاهای خود بر اتریش صرف نظر کند و از طرف دیگر تشویق های بیسمارک از فرانسه باعث تسلط فرانسویها بر تونس شده و از این اتحاد ایتالیاییها نفعی نبرده بودند باین جهت افکار عمومی موافقت با تجدید اتحاد مثلث نداشت بیسمارک که اساس سیاست خود را بر اتحاد مثلث قرار داده بود با فشاری که بدر بارهای اتریش و ایتالیا وارد و باز موفق بتجدید اتحاد سه گانه گردید ولی چون اتریشها و ایتالیاییها باید یکدیگر موافقت کامل نداشتند در ۲۰ فوریه ۱۸۸۷ دو پیمان یکی بین ایتالیا و آلمان و دیگری بین ایتالیا و اتریش بسته شد بموجب پیمان اول بیسمارک کمک آلمان را بایتالیا در صورت بروز جنگ بر ضد فرانسه وعده میداد مخصوصاً اگر فرانسه بخواهد بمتصرفات خود در شمال افریقا توسعه دهد باین پیمان در سال ۱۸۸۷ یک پیمان نظامی نیز ضمیمه شد بموجب معاهده دوم دولت ایتالیا در بالکن تعهد مینمود وضع فعلی^(۴) را رعایت کند و در صورتیکه اتریش از طرف دولت ثالثی مورد حمله واقع میشد دولت ایتالیا در مقابل بدست آوردن منافع ارضی کمک خود را به اتریش وعده میداد.

برای تقویت سیاست ایتالیا در مدیترانه بیسمارک شروع با اقداماتی بمنظور جذب نظر انگلستان بایتالیا نمود در ۱۲ نوامبر ۱۸۸۷ در نتیجه یادداشت های محرمانه که بین سفیر ایتالیا در لندن و کابینه انگلستان رد و بدل گردید دو دولت انگلستان و ایتالیا

Nyassa (۱)

Victoria (۲)

Tanganika (۳)

Statu quo (۴)

تجدید اختلافات راجع به بلغارستان

نگهداری وضع فعلی را در مدیترانه قبول کرده و تقبل نمودند بر ضد هر دولتی که باعث اختلال در این دریا شود اقدامات لازمه را بعمل آورند. دولت اتریش نیز چند روز بعد بوسیله نامه این تصمیم را قبول کرده این تصمیم مورد قبول دولت اسپانیا نیز قرار گرفت و در ۴ مه ۱۸۷۷ دولت اسپانیا بوسیله نامه محرمانه به پادشاه ایتالیا تعهد نمود روابط خود را با ایتالیا محفوظ داشته و هیچگونه پیمانی بر ضد ایتالیا با دولت فرانسه منعقد نسازد.

در ۱۴ اوت ۱۸۸۷ شاهزاده فردیناند دو کوبورک^(۱) با تشویق محرمانه آلمان و اتریش سلطنت بلغارستان را قبول نمود.

تزار روسیه که مداخله در بلغارستان را منحصر بخود میدانست با این انتخاب مخالفت جدی کرد. در همین اوان کریسی که نخست وزیر ایتالیا شده بود در نظر داشت اقدامات جدی بعمل آورد و اهمیتی کسب کند لذا در ماه اوت ۱۸۸۷ بدولت انگلستان پیشنهاد انعقاد يك پیمان نظامی نمود. گرچه سالیسبوری پیشنهاد ایتالیا را رد کرد ولی هر قدر تزار روسیه برای عزل فردیناند دو کوبورک بیشتر یافشاری میکرد دولت ایتالیا نیز در اصرار برای قبول پیشنهاد خود میافزود. پسر بیسمارک هربرت^(۲) نیز از سیاست ایتالیا در لندن تقویت میکرد. در ۲۲ نوامبر ۱۸۸۷ بیسمارک شخصاً نامه بلرد سالیسبوری نوشت و در نتیجه آن در ۱۲ دسامبر ۱۸۸۷ قرار مخفی بین

(۱) Maximilian-Charles-Léopold-Marie de saxe-Cobourg-Ferdinand

(۱۸۶۱-) در ۱۸۸۷ یکمک اتریش و انگلستان بیادشاهی بلغارستان انتخاب شد. دولت روسیه موافق با سیاست او نبود. در ۱۸۹۶ از طرف روسیه بر سمیت شناخته شد. در ۱۹۰۸ خود را تزار بلغارستان نامیده و روابط تبعیت بلغارستان را نسبت به عثمانی قطع کرد. خیال ایجاد اتحادیه بالکان را بر باست خود در سر داشت و باینجهت جنگهای بالکان را بر پا کرد. در جنگ ۱۸-۱۹۱۴ سیاست شخصی او بلغارستان را بطرف آلمان کشانید. در ۱۹۱۸ بنوع پسرش بوریس Boris از سلطنت کناره گیری کرد.

(۲) Henri-Ferdinand - Herbert, prince de Bismarck (۱۰۹۴ -

۱۸۴۹) پسر بیسمارک صدراعظم بزرگ آلمان. بعد از جنگ ۱۸۷۰ و او خدمت سیاسی شد. در ۱۸۸۷ بمقام وزارت رسید. بیسمارک در نظر داشت او را جانشین خود نماید ولی با عزل او پسرش نیز از سیاست دور شد.

سیاست بیسمارک و روسیه

انگلستان و ایتالیا بسته شد که بموجب آن طرفین تعهد میکردند با هر نوع تجاوزی در شرق مخالفت نمایند و حتی اگر دولت عثمانی دخالت روسها را در بلغارستان تسهیل نماید کشور عثمانی را نیز اشغال کنند در مقابل این وضع در ۱۸ دسامبر ۱۸۸۷ تزار روسیه ناچار اعلام نمود که راضی نیست برای مسئله بلغارستان يك قطره خون ریخته شود.

در سال ۱۸۸۸ بنظر میآید که بیسمارک سعی دارد جنگ بر ضد فرانسه را تسریع کند. در ۲۸ ژانویه و ۸ آوریل این سال ستاد های ارتش آلمان و ایتالیا مخفیانه نقشه‌هایی برای حمله بفرانسه طرح نمودند. دولت اتریش هم گرچه در اتخاذ تصمیم مردد بود مقدماتی را برای حمله بر روسها تهیه میدید ولی صبر و حوصله و صلح‌خواهی تزار روسیه و فوت ویلهلم اول امپراطور آلمان در بهار سال ۱۸۸۸ مجالی برای تعقیب این نقشه‌ها باقی نگذازد.

تزار روسیه با انعقاد پیمان ۱۸۷۹ بدول آلمان و اتریش نزدیک شده بود در سال ۱۸۸۱ الکساندر سوم که جانشین الکساندر دوم گردید پیمان اتفاق سه امپراطور را تجدید کرد ولی مذاکرات دول آلمان و اتریش سرستان و رومانی و ایتالیا اسباب تشویش او را فراهم کرد و اقدامات هربرت دو بیسمارک و ژیر (۱) وزیر خارجه روسیه قدری از وحشت تزار روسیه کاست و چون الکساندر سوم از رژیم جمهوری متنفر و این طرز حکومت را سبب هرج و مرج میدانست با اظهارات وزیر خارجه خود مبنی بر اینکه اقدامات بیسمارک بمنظور ضعیف کردن و تنها نگاه داشتن فرانسه است و قعی نگذازد در ۲۳ مارس ۱۸۸۴ نیز وزیر خارجه خود را عوض کرده و پیمان ۱۸۸۱ را که برای مدت یکسال بسته شده بود با آلمان تجدید کرد.

در سپتامبر ۱۸۸۷ قضایای بلغارستان باعث اختلاف بین روسیه و اتریش گردید و روابط روسیه و آلمان نیز صمیمیت سابق را از دست داد بیسمارک بوسیله فرستادن

(۱) Nicolas Karlovitch de Giers (۱۸۹۵-۱۸۲۰) سیاستمدار روسی - اصلا

سوئدی بود - از ۱۸۳۸ وارد سیاست و چندین مرتبه سفیر شد - معاون وزارت خارجه روسیه

در ۱۸۷۵ وزیر خارجه روسیه از ۱۸۸۲.

نزدیکی فرانسه و روسیه - فوت ویلهلم اول

شاهزاده ویلهلم نوه امپراطور آلمان به مانورهای روسیه سعی نمود ظاهر را حفظ کند و به تزار روسیه وعده داد در صورتیکه دولت روسیه مجبور با اقداماتی در بالکان بشود دولت آلمان بیطرفی خود را حفظ خواهد کرد. صدراعظم آلمان با این وعده توقع داشت که در صورت بروز اختلاف بین آلمان و فرانسه دولت روسیه نیز بیطرف بماند گرچه وعده بیسمارک بدولت روسیه کاملاً مخالف تعهدات او نسبت با تریش و ایتالیا و انگلستان مبنی بر رعایت وضع فعلی در بالکان بود ولی صدراعظم آلمان امید داشت با مخفی نگاهداشتن مذاکرات هرچه ممکن است همراهان بیشتری پیدا کند تزار روسیه که منظور بیسمارک را از این وعده‌ها دریافته بود فریب اظهارات بیسمارک را نخورد و در بهار سال ۱۸۸۷ اعلام نمود که اجازه نخواهد داد بیسمارک اروپارا متقلب نموده و دول دیگر را دائماً در ترس و وحشت نگاه دارد و حتی گوشزد نمود در صورت بروز جنگ بین فرانسه و آلمان اگر ضعف فرانسه مسلم شود از کمک بفرانسه دریغ نخواهد کرد. بیسمارک برای رام نمودن تزار روسیه متوسل بفشار مالی گردید و سهام قرضه روسیه در آلمان بدون مشتری ماند ولی فرانسویها از موقع استفاده کرده فوراً حاضر برای قرض دادن بروسیه گشتند و همین امر سبب نزدیکی بین محافل فرانسوی و روسی گشت.

در ۹ مارس ۱۸۸۸ ویلهلم اول امپراطور آلمان دارفانی را وداع گفت و با درگذشتن امپراطور پیر آلمان که کاملاً مطیع نظریات سیاسی بیسمارک بود ستاره اقبال بیسمارک که باوج ترقی رسیده بود شروع باقول نمود.

فصل سیزدهم

اتحاد فرانسه و روسیه در پایان قرن نوزدهم

شروع سلطنت آلکساندر سوم - تمایل روسیه به فرانسه - تهدیدات بیسمارک نزدیک‌کنی فرانسه و روسیه - تظاهرات کروستاد - تنظیم نامه‌های اتحاد - عهدت نامها - طرح پیمان نظامی روسیه و فرانسه - اشکال تأیید آن از طرف دولت فرانسه - تأخیر در امضای پیمان - امضای پیمان - سلطنت نیکلای دوم - کنفرانس لاهه .

.....

آلکساندر سوم تزار روسیه در سال ۱۸۸۱ بعد از قتل پدرش فرمانروای روسیه گردید . در مقابل اقدامات شورشیان که باعث قتل الکساندر دوم شده بودند ، تزار جدید روسیه اختیارات خود را فقط از جانب خداوند دانسته و کاملاً مخالف تقاضاهای آزادیخواهان بود الکساندر سوم در عین حال که اقتدار تزار را برای نجات روسیه از واجبات می‌شمرد این قدرت را وظیفه نیز برای خود میدانست و سعی می‌کرد ملت خود را از صلح و صفای خورداد نماید . پیمان‌هایی که دولت روسیه در سالهای ۱۸۸۱ و ۱۸۸۴ و ۱۸۸۷ با دولت آلمان امضا کرد بیشتر برای حفظ و نگاهداری صلح در بالکان بود باینجهت اشخاصی را که مانند ایگناتیف طرفدار جدی اتحاد اسلاوها بودند از حکومت دور نموده و با برقراری بارون دو ژیر که طرفدار صلح بود امید داشت خانواده

هوهنزولرن که ضمناً قرابت خانوادگی نیز با او داشتند در تحکیم روابط دوستانه بین آلمان و روسیه کوشش کنند. اقدامات دولت آلمان و بست و بندهای سیاسی بیسمارک تزار روسیه را کم از کم نیت آلمان مأیوس کرد و تزار روسیه که طبعاً از رژیم جمهوری متنفر و این طرز حکومت را باعث هرج و مرج میدانست مجبور شد برای نگاهداری موازنه صلح اروپا رفته رفته بطرف فرانسه متمایل گردد.

قضایای بلغارستان و تعیین جانشین آلکساندر دو بانترک سوء ظن تزار روسیه را نسبت بدولت آلمان زیاد تر کرد.

چون در این موقع وزیر خارجه فرانسه بنمایندگان بلغارستان پیشنهاد نمود برای تعیین پادشاه بلغارستان با دولت روسیه کنار بیایند روابط بین فرانسه و روسیه تسهیل گردید و با وجود اینکه این دو دولت اعلام کردند منظور از جمهوری جز نگاهداری صلح در بالکان ندارند و اتحادی بین آنها برقرار نشده است نزدیکی روابط فرانسه و روسیه از نظر تیزبین بیسمارک دور نماند. صدراعظم آلمان برای از بین بردن نطفه این اتحاد در سال ۱۸۸۷ شروع بتهدیداتی بر علیه فرانسه نمود از قبیل حمله روزنامه‌ها سیاست فرانسه قضیه شنبوله - گذراندن قوانین نظامی تا این دولت از ترس تهدید آلمان اقدامات سیاسی خود را متوقف سازد. ضمناً برای اینکه دولت روسیه را نیز رام کند بانجدید اتحاد مثلث و همکاری با انگلستان و جلوگیری از تحصیل قرضه برای روسیه در آلمان سعی نمود اسباب تشویش این دولت را فراهم سازد.

تحریرات بیسمارک بیشتر باعث نزدیکی روابط بین فرانسه و روسیه گردید زیرا بطوریکه در فصل پیش شرح داده شد بانکداران فرانسوی فوراً وسیله فروش سهام قرضه روسیه را فراهم ساخته و بامیانجیگری که دولت فرانسه برای اصلاح روابط بین تزار روسیه و پاپ لئون سیزدهم بعمل آورد قدم دیگری بسوی اتحاد فرانسه و روسیه برداشته شده با وجود تمام این احوال چون تزار روسیه متمایل بیشتری به رژیم‌های سلطنتی داشت و از حکومت‌های جمهوری گریزان بود در ضمن مسافرتی که در سال ۱۸۸۷ به کینهاک

نزدیکی فرانسه و روسیه

نمود در ۱۸ نوامبر در برلن از بیسمارک راجع به اقدامات او توضیح خواست و مدارکی را که مبنی بر اقدامات سوء بیسمارک در قضیه بلغارستان بدست آورده بود بدو ارائه داد. بیسمارک که جوابی با اعتراضات تزار نمی توانست بدهد در صحت مدارک تردید نمود و آنها را تکذیب و اظهار داشت تزار روسیه تحت نفوذ جمهوری خواهان و طرفداران اتحاد اسلاوها واقع شده است گرچه تزار روسیه تمام گفته های بیسمارک را باور نکرد ولی با اطمینان های جدیدی که صدراعظم آلمان داد باز برای مدت سه سال در اتحاد خودش با امپراتور آلمان باقی ماند.

بیسمارک که بیش از پیش از اتحاد فرانسه و روسیه به تشویش افتاده بود در ماه دسامبر ۱۸۸۷ مقررات نظامی آلمان را تشدید کرد در فوریه ۱۸۸۸ قسمتی از متن پیمان آلمان و اتریش را منتشر نموده و با احتمال وقوع جنگ در مشرق و مغرب آلمان دولتین اتریش و ایتالیا را نیز برای همکاری با آلمان حاضر می کرد عکس العمل این اقدامات توافق نظر زیادتری را بین فرانسه و روسیه ایجاد کرد. انتخاب کارنو^(۱) نیز بریاست جمهوری فرانسه نظر مساعد تزار را نسبت باین کشور جلب نمود در دسامبر ۱۸۸۸ انتشار اولین سهام قرضه روسیه در فرانسه با موفقیت انجام گرفت. دولت روسیه هم ۵۰۰۰۰۰ تفنگ به کارخانه جات اسلحه سازی فرانسه سفارش داد و فرانسویها این سفارش را بشرطی قبول نمودند که تفنگها بر ضد آنها استعمال نشود تا وقتی که بیسمارک صدراعظم آلمان بود در اثر قولی که به تزار روسیه داده بود الگس اندرسون اقدام عملی برای برقراری اتحاد با فرانسه بعمل نیاورد. پس از عزل بیسمارک در مقابل تمایل انگلستان با آلمان تزار روسیه کاملاً بطرف فرانسه متوجه شد گرچه در این موقع هنوز موافقت انگلستان

(۱) Marie-Francois-Sadi, Carno (۱۸۹۴-۱۹۳۷) رئیس جمهور فرانسه -

بعد از ۱۸۷۰ نمایندگی مجلس فرانسه انتخاب شد. از ۱۸۷۸ در کابینه های مختلف سمت

وزارت داشت - در ۱۸۸۷ بریاست جمهوری فرانسه انتخاب گردید در ۱۸۹۴ در نمایشگاه

لیون از طرف يك آناوشیست بقتل رسید

نظارات کرونتاوا - تنظیم نامه‌های اتحاد

با اتحاد مثلث مکشوف نشده بود ولی علائم و قرائن معلوم میشد که دولت انگلستان متمایل به آن است سالیسبوری هم در نطقی که در نوامبر ۱۸۸۹ ایراد نمود صراحتاً این قضیه را تکذیب نکرد. از ماه نوامبر ۱۸۹۰ تا ماه مه ۱۸۹۱ نیز در اثر اقدامات کریسپی اتحاد مثلث تجدید و پروتو کولی راجع به موافقت انگلستان در باره قضایای شرق و شمال افریقا بآن ضمیمه شد.

با وجود ملاقاتهای دوستانه که در ماههای اوت و سپتامبر ۱۸۸۹ و بعداً در سال های ۱۸۹۰ و ۱۸۹۲ بین تزار روسیه و امپراطور جدید آلمان صورت گرفت روابط فرانسه و روسیه هر روز مستحکم تر میشد. در ماه ژانویه ۱۸۹۱ نیروی دریائی فرانسه به بندر کرنستاد دعوت و در ۲۵ مارس نشان صلیب سنت آندره از طرف تزار روسیه برای رئیس جمهور فرانسه ارسال شد. در ۲۲ ژوئیه ۱۸۹۱ نیروی دریائی فرانسه وارد کرنستاد گردیده و پذیرائی شایانی از آنها بعمل آمد و باین ترتیب قبل از برقراری اتحاد رسمی بین دولتین روسیه و فرانسه بین این دو ملت اساس دوستی محکمی بوجود آمد.

از ۱۸ ژوئیه طرح موافقتی بین فرانسه و روسیه برای نگاهداری صلح اروپا تنظیم گردید. برای اینکه این طرح موافقت صورت پیمانی را بر ضد اتحاد مثلث بخود نگیرد قرار شد از طرف دولت روسیه نامه بدولت فرانسه نوشته شود و دولت فرانسه نیز پاسخی بنامه روسیه بدهد. ولی تعهدات ناشیه از این نامه با قدری صریح بود که تقریباً جانشین يك پیمان میگردد ضمناً باین قراری تعهدات بصورت نامه دولت فرانسه میتوانست مفاد آنرا مخفی نگاهدارد زیرا با وجود حکومت پارلمانی در فرانسه دولت فرانسه در صورت انعقاد پیمان رسمی مجبور میشد مواد آنرا به تصویب مجلس برساند.

موضوعی که باعث تعویق صدور این نامه‌ها گردید اختلاف نظر دول فرانسه و روسیه راجع بحدود اعمال آن بود. دولت فرانسه میل داشت تعهدات دو دولت

تعهدات نامه‌ها

فقط در مورد تجاوزات اتحاد مثلث صورت عمل بخود گیرد در صورتیکه دولت روسیه تقاضا داشت تعهدات مزبور شامل هر گونه تجاوزی چه در اروپا و چه در خارج از اروپا بشود تا دولت روسیه بتواند در مقابل تجاوزات انگلستان نیز از اتحاد با فرانسه استفاده کند بالاخره بعد از مذاکرات زیاد متن نامه در ۲۷ اوت بطریق زیر تنظیم و رد و بدل گردید: «دو دولت فرانسه و روسیه درباره هر قضیه که صلح عمومی را مورد تهدید قرار دهد بایکدیگر تبادل افکار نموده در صورتیکه این صلح حقیقتاً مورد خطر قرار گیرد و مخصوصاً اگر یکی از طرفین مورد تهدیدتهاجم واقع شود طرفین قرار می‌گذارند درباره اقداماتی که این تهدید نسبت به دو دولت ایجاد میکند اتفاق حاصل نمایند». دولت فرانسه که بیشتر ترسش از آلمان بود برای اینکه در موقع بروز اختلاف دولت روسیه تمام قوای خود را فقط بر علیه اتریش بکار نبرد در صدد برآمد با اضافه نمودن پیمان نظامی به نامه های مبادله شده وظائف طرفین را در موقعتهاجم یکی از دو اتحاد مثلث تصریح کند. بعد از مذاکرات زیادی که بین ژیر صدر اعظم روسیه و فرسینه وزیر خارجه فرانسه در پاریس بعمل آمد در سن پترزبورگ از طرف دولت فرانسه ژنرال بوآدفر^(۱) و از طرف دولت روسیه ژنرال وانوسکی^(۲) و ژنرال اوبروچف^(۳) تبادل نظر نموده و طرح پیمان را بشرح زیر تهیه کردند.

ماده ۱- اگر فرانسه موردتهاجم آلمان یا ایتالیا بکمال آلمان واقع شود روسیه تمام قوه حاضر خود را برای حمله با آلمان بکار خواهد برد.

(۱) Raoul - Francois - Charles le Mouton de Boisdeffre

(۱۸۳۹-۱۹۱۹) سردار فرانسوی آتاشه نظامی فرانسه در روسیه - رئیس ستاد ارتش

فرانسه از ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۸

(۲) Vannovsk سردار روسی

(۳) Nikolai'Obrouchev (۱۸۳۰-۱۹۰۴) سردار روسی - خدمات زیادی در

جنگهای بالکان انجام داد - رئیس ستاد ارتش روسیه در ۱۸۹۳ - عضو شورای امپراطوری

طرح پیمان نظامی روسیه و فرانسه - اشکال تأیید آن از طرف دولت فرانسه

اگر روسیه مورد تهاجم آلمان یا اتریش بکمک آلمان قرار گیرد فرانسه تمام قوه حاضر خود را بر علیه آلمان بکار خواهد برد .

ماده ۲- در صورتیکه قوای اتحاد سه گانه یا یکی از دولی که جزء آنست بسیج شوند فرانسه و روسیه بمحض اطلاع از قضیه باهم و فوراً تمام قوای خود را بسیج نموده و بنزدیکترین نقطه سرحدات اعزام خواهند داشت .

ماده ۳- قوای حاضری که باید بر ضد آلمان بکار افتد از طرف فرانسه ۱۳۰۰۰۰۰ نفر و از طرف روسیه هفتصد تا هشتصد هزار نفر خواهند بود این قوا با تمام سعی و کوشش خود اقدام خواهند نمود بطریقی که آلمان در شرق و غرب بچنگد .

ماده ۴- ستادهای ارتش در دولت در هر موقع با یکدیگر برای تهیه و تسهیل اجرای مقررات پیش بینی شده توافق نظر حاصل خواهند کرد .

ماده ۵- فرانسه و روسیه جدا گانه پیمان صلحی منعقد نخواهند نمود .

ماده ۶- این پیمان همان مدتی را خواهد داشت که اتحاد مثلث .

ماده ۷- تمام مواد بالا کاملاً مخفی نگاه داشته خواهد شد .

طرح پیمان بالا در ۱۸ اوت ۱۸۹۲ بوسیله ژنرال بوادفر از طرف دولت فرانسه و ژنرال اوبروچف از طرف دولت روسیه بامضاء رسید . بعد از امضای پیمان توسط نمایندگان فرانسه دولت فرانسه برای تأیید آن دچار تردید شد زیرا اگر چه اسم این پیمان نظامی بود ولی بطوریکه ملاحظه میشود جنبه سیاسی آن بیشتر است و اگر دولت فرانسه آنرا برای تصویب بپارلمان پیشنهاد مینمود در اثر مذاکرات مجلس سری نگاه داشتن آن دچار اشکال میگردد . باین جهت دولت فرانسه پیشنهاد کرد ماده هفت پیمان بطریق زیر اصلاح شود « مواد پیمان جز با رضایت طرفین منتشر نخواهد گردید ولی دولت روسیه که مخفی نگاه داشتن قرارداد بالا را از شرایط اساسی آن میدانست راضی باین تغییر نشده و اعلام داشت در صورتیکه ماده ۷ از بین برود تعهدات روسیه را باید ملغی شده پنداشت .

تأخیر در امضای پیمان

اشکال تأیید پیمان از طرف دولت فرانسه تصویب پیمان را مدت یکسال و نیم بتأخیر انداخت. مسائل پاناما و سوء استفاده های نمایندگان مجلس فرانسه و اقتضای محافل مطبوعاتی و پارلمانی فرانسه نیز به حیثیت دولت جمهوری فرانسه لطمه بزرگی وارد آورد و در نتیجه تزار روسیه که اصولاً تمایلی بر رژیم جمهوری نداشت از اتحاد با فرانسه دلسرد گردید بطوریکه صدر اعظم روسیه که زمستان ۱۸۹۳ را در ایتالیا میگذراند در ماه مه در موقع عبور از وین از تظاهرات کرونشتاد اظهار تأسف نمود. در ماه نوامبر ۱۸۹۳ دولت آلمان طرح قانون جدیدی برای تصویب بمجلس رایشتاک پیشنهاد نمود که بموجب آن در ظرف ۶ سال تعداد نفرات ارتش آلمان را در زمان صلح به ۵۰۰۰۰۰ نفر میرسانید و در ضمن صحبت در اطراف آن صدر اعظم آلمان اظهار داشت که دولت آلمان باید خود را برای جنگ آماده کند محل ها و ارتش آلمان نیز در ماه ژوئیه ۱۸۹۳ ناحیه متز و سرحدات فرانسه تعیین گردید.

تهدیدات آلمان دو مرتبه باعث نزدیکی فرانسه و روسیه گردید برای تجدید روابط دوستانه بین دولت روسیه و فرانسه در ماه ژوئن ۱۸۹۳ دولت فرانسه از نیروی دریایی روسیه دعوت کرد تا در بندر تولون^(۱) مورد پذیرائی واقع شوند در اواسط ماه ژوئیه دولت فرانسه بموجب یادداشتی از طرف ستاد ارتش اهمیت تسلیحات آلمان را بتزار روسیه گوشزد نموده و لزوم اتحاد بین دو دولت را یاد آوری نمود. یادداشت ستاد ارتش فرانسه در ۵ سپتامبر بدست صدر اعظم روسیه رسید و تاریخ ورود جهازات روسیه به بندر تولون روز ۱۳ اکتبر ۱۸۹۳ تعیین گردید.

ملوانان روسی در تولون و پاریس مورد پذیرائی خیلی گرمی از طرف دولت و ملت فرانسه قرار گرفتند. در خلال این مدت رئیس جمهور فرانسه کارنو نیز پیمان نظامی را که در بالا شرح داده شد بهمان صورت اولیه تأیید نمود. در ۲۹ اکتبر ۱۸۹۳ از طرف تزار روسیه نامه تشکری بعنوان رئیس جمهور فرانسه رسید و با وجود

(۱) Toulon

امضای پیمان - سلطنت نیکلای دوم - کنفرانس لاهه

تغییر کابینه فرانسه در ۳۷ دسامبر صدراعظم روسیه نامه زیر را که سند انعقاد پیمان اتحاد بین فرانسه و روسیه است بعنوان رئیس جمهور فرانسه ارسال داشت: « بعد از آنکه طبق دستور اعلیحضرت طرح پیمانی را که توسط ستاد های ارتش فرانسه و روسیه تهیه شده بود مطالعه و بعرض امپراطور رسانیدم وظیفه خود میدانم با آگاهی آن عالیجناب برسانم که متن این پیمان را میتوان از این بیعد بصورت حاضرش کاملاً قابل قبول دانست. « از این تاریخ اتحاد فرانسه و روسیه با وجود سری بودن آن قطعی گردید.

در سال ۱۸۹۴ آلکساندر سوم تزار روسیه فوت نمود. رئیس جمهور فرانسه کارنو نیز در لیون بقتل رسید ولی حکومت جدید فرانسه و تزار جوان روسیه نیکلای دوم همان سیاست پیشین اتحاد دودوات را تعقیب کردند. تظاهرات دوستانه و دید و بازدیدهای دیگری هم از طرف دودولت برای نگاهداری و استحکام این اتحاد بعمل آمد.

در سال ۱۸۹۸ برای نگاهداری صلح و متوقف نمودن تسلیحات دول تزار روسیه پیشنهاد تشکیل کنفرانسی را در لاهه نمود. در مقابل مخالفت آلمان کنفرانس لاهه بجائی نرسید فقط نتایج مذاکرات کنفرانس به تعمیم تصمیمات کنفرانس ژنو در باره مجروحین جنگی به مجروحین نیروی دریائی و ایجاد قوانین تازه در باره جنگ در تعقیب کنفرانس بروکسل ۱۸۷۴ و یک پیمان ۶۰ ماده برای رفع اختلافات در قضایائی که مربوط بمسائل حیاتی و شرافت ملی نشود بوسائل صلح جویانه یعنی داوری منجر گردید.

فصل چهاردهم

عثمانی و اروپا

سلطنت سلطان عبدالحمید دوم - مسئله ارامنه - سیاست روسیه نسبت به ارامنه
قتل عام ارامنه - تقاضای ایتالیا - پیشنهادات دول اروپا - ادامه کشتار ارامنه
اختلاف نظر روسیه و انگلستان - میانجیگری دولت فرانسه - قتل عام مجدد ارامنه
عدم کمک دول اروپا به ارامنه - مسئله کرت - دخالت یونان و اروپا - مسئله
مقدونیه - رفع خصومت بلغارستان و روسیه - توافق نظر روسیه و اتریش در امور
بالکان - جنگ عثمانی و یونان - تعهد نگاهداری وضع فعلی در بالکان از طرف
روسیه و اتریش - ترک مخصوصه یونان و عثمانی - شورش مقدونیه - موافقت نامه
مورزتک - نهضت جوانان ترک

بعد از قتل سلطان عبدالعزیز (۱) و سلطان مراد (۲) سلطان عبدالحمید دوم (۳)

(۱) سلطان عبدالعزیز (۱۸۷۶-۱۸۳۰ تا) سلطان عثمانی از سال ۱۷۶۱- پسردوم سلطان محمود و برادر سلطان عبدالمجید - در بدو سلطنت شروع به اصلاحاتی نمود ولی آنها را تعقیب نکرد - در شب ۳۰ مه ۱۸۷۶ بنفع برادر زاده اش سلطان مراد پنجم استمفاداد - در ۱۱ ژوئن ۱۸۷۶ بروایتی انتحار و بروایتی مقتول شد .

(۲) سلطان مراد پنجم (۱۹۰۴-۱۸۴۰) پسر سلطان عبدالمجید - در سال ۱۸۷۶ برای مدت سه ماه سلطان عثمانی شد - بعزت بیماری دماغی از سلطنت خلع و برادرش سلطان عبدالحمید دوم جانشین او گردید .

(۳) سلطان عبدالحمید دوم (۱۹۱۸-۱۸۴۲) سلطان عثمانی - پسردوم سلطان عبدالمجید بعد از خلع برادرش در ۳۱ اوت ۱۸۷۶ سلطان عثمانی شد - در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ مجبور باعطای قانون اساسی گردید - در ۵ مارس ۱۸۷۷ رژیم استبدادی برگشت - در نتیجه شکست از روسیه پیمانهای سان استفانو و برلین بدولت عثمانی تحمیل شد - در نتیجه سیاست مزورانه و جابرانه و استبدادی منفور و ملقب به سلطان قرمز گردید - در سال ۱۹۰۹ از سلطنت عثمانی خلع گردید .

مسئله ارامنه - سیاست روسیه نسبت بارامنه

در ربع آخرین قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم سلطان عثمانی - حکومت عثمانی در زمان سلطنت عبدالحمید دوره ترس و وحشت گردید سلطان عثمانی از ترس شورش و جان و مال خود تمام امور را در دست خود متمرکز نموده با نظارت در کارها و تصمیم جاسوسی و رشوه خواری و استبداد مطلق دستگاه حکومت را مورد بغض و کینه مردم قرار داده اعتماد و آرامش عمومی را در کشور عثمانی از بین برد .

یکی از مللی که زودتر از دیگران قربانی سیاست سلطان عثمانی و اختلافات دول اروپا گشت ملت ارامنه بود که بواسطه پشت کار و جدیت خود در امور مالی و تجارت دست زیادی پیدا کرده و سالها انتظار بدست آوردن استقلال را داشت. در سال ۱۸۶۳ سلطان عبدالعزیز آزادی مختصری به ارامنه داد . سلطان عبدالحمید نیز در بدو سلطنت خود بسیاری از مشاغل اداری را با آنها سپرد بطوریکه در سال ۱۸۹۰ ارامنه نفوذ زیادی در دوات عثمانی پیدا کردند .

نفوذ ارامنه باعث بدبختی آنها گردید مخصوصاً که پیمانهای سان استفانو و برلین سلطان عثمانی را موظف میکرد در اصلاح حال ارامنه بکوشد . در صورتیکه دولتین روسیه و انگلستان نظر خاصی نسبت بارامنه نداشتند و برای استقرار نفوذ سیاسی خود با آسانی حاضر بقدا کردن منافع ارامنه میشدند . دولت روسیه بعد از پیمان برلین و باس از توسعه نفوذ در آسیای صغیر با ارامنه که تابع او بودند فشار زیادی وارد آورد تا زبان و مذهب و حس ملیت آنها را از بین برده و ارامنه را روسی کند ارامنه هم که دارای حس ملیت قوی بودند برای مبارزه با اقدامات روسیه شروع به تبلیغات در خارج نموده و اجتماعات سری و روزنامه هائی برای دفاع از حقوق خود تأسیس کردند. عکس العمل اقدامات ارامنه باعث تشدید فشار روسیه شده و چون این دولت دیگر بعنوان حمایت ارامنه نمیتوانست منظور خود را در دوات عثمانی تأمین کند بیشتر اقدامات دولت عثمانی را بر ضد ارامنه تجویز کرد. ارامنه که در خاک عثمانی سکونت داشتند نیز با امید بکمک انگلستان شروع با اقدامات تروریستی جهت ایجاد یک نهضت ملی نمودند در مقابل عملیات ارامنه دولت عثمانی که